"زندگی به عنوان نامزد امپراطور"

مترجم : لاکس

ویراستار : F_S_S12

کلینر : Akane

تایپیست : Lack Wood

کاری از تیم : Flaxen Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@FlaxenGuys

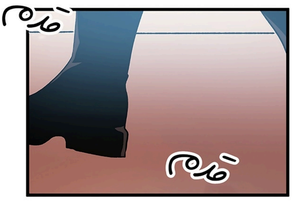

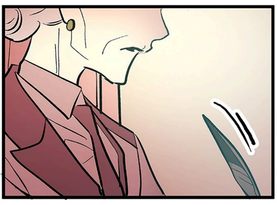

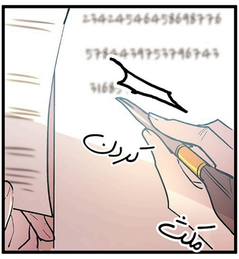

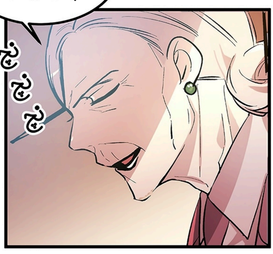

۱۴ سال، ۱۶۸ ماه،
۵۱۱۰ روز، ۱۲۲۶۴۰ ساعت،
۷۳۵۸۴۰۰ دقیقه، ۴۴۱۵۰۴۰۰۰ ثانیه.

ویراستار: عجب زهنی! ولی پیچور امیری‌ای
می‌تونه ۱۴ سال وزیرشو ثبینه!!!!

خیلی وقته،
اعلیحضرت!

황제의 약혼녀로 산다는 것은

طراح: Chimpa
نویسنده: Saebyeon Yuseong
محصول: Orange Track

(45)

آااااااااااخ!

فشردن

فشردن

ولم کن.
من اون توله سگو
پیدا می‌کنم و می‌کشم.

اون میاد.
مطمئنم.

جیغ

شیدن

ببخشید که
دیر کردم!

باز کردن

ایـــــــ

آردن
سقوط
حزدای مالیاتی لعنتی!

خیره شدن
گره در ذهنش
این فقط تنفس مناظره اوله، کارت خوب بود.

بازم قهوه؟ با اینکه دوست نداری، ولی همیشه قهوه می‌خوری.
...منتی می‌کنم نماینده‌های مجلس که اون طرفن رو بکشم طرف خودمون.

قلوپ

مناظره دوم ئک نفره‌اس...
مچاله کردن
چه ادل باشه چه اُسن، در نهایت من کسی‌ام که به اونا امید الکی دادم...

تعداد نماینده‌های هیچ کدوم از طرفین تغییری نکرده.
به هر حال نتیجه این فرد باخته. ما باید خوب بیاییم و تا جایی که ممکنه اُسپی رو به حداقل برسونیم...

اگه ما این شکلی به طور کامل له بشیم، اُسن دیگه هیچ‌وقت نمی‌تونه عضو مجلس عوام بشه.

ادل...

آس، می‌تونی از پس مناظره‌ی دوم بر بیای؟

البته!

هوی، کبالت.

نماینده‌های مجلس عوام رو اونجا می‌بینی؟

آره.

اونا بعد از مناظره‌ی دوم به نفع ما رأی می‌دن.

چی؟ چطور؟

من بهشون قول دادم که سال بعد در مورد یه لایحه قانونی بزرگ که باید ظرف یه سال آماده بشه، بهشون مشاوره بدم.

...هی؟ دیوونه شدی؟

هی، چه مرگته؟ از کمکت ممنونم، ولی لازم نیست از این کارا بکنی. باشه، بذار از این فرصت استفاده کنم و یه چیزی ازت بپرسم.

چرا بهم کمک می‌کنی؟ من فکر نمی‌کنم ما انقدرا به هم نزدیک باشیم.

.....
بعداً ازم تشکر می‌کنی
چی؟
تپ
تپ
حتی با اونم.
ما نه با هم درستیم و نه حتی بهم نزدیکیم. ولی...
نمیم یه دانشجوی بورسیه بوده که همزمان کارمی‌کرد، کار کردن و درس خوندن با هم اصلاً کار آسونی نیست.
با این حال نه واقعاً اون چیزی که واقعاً محنت، تهیتی و تلاشهای لحظه‌ایمیرا رضاکنگر آدمای دور و بره.
اے اینم همون پوری که همین الان ترک کردی
همونی.
فرشلم نزن.
اگه این لایحه تصویب بشه...
اگه...
واقعاً تاث بهم زنه.
بقیه می‌تونن...
میتونن کنترلش کنن!
قهوه.
دوست:
وقتی برای مشاجره با شما، وقت تلف نمی‌کنم، فقط یک چیز می‌خواهم بدانم.
ورجه شرکت کجاست؟
به شاخار همین...
ما باید بریم!
مناظره‌ی دوم شروع می‌شه. همگی لطفاً بنشینید.

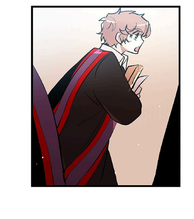

احمق...
من اصلاً نمی‌خواستم تو خودتو نفرین بدی.

همچین بدم نیست که اون تو طول مناظره خراب کنه.

آنس، معاون وزیر کیالت و ادل اُوریل دارن ازت استفاده می‌کنن.

چون اون بدون هیچ گردیدی به حرفای من اعتماد داشت، باید فکر می‌کرد...

پرا غمزد امپراطور به اعضای مجلس حمله می‌کنه؟ اشتباه این به حرکت استراتژیک تا تعاش به پیشینه برای خوشی درست شد.
اولین حرکت استراتژیک معاون وزیر کیالت!

همچین آدم کم‌هوشی چطور عضو مجلس شده...

بیا ما هم سریعتر برگردیم سر باحلموی!
باشه.

برای اینکه تو اینو دوبره زهونه نده بهونه خیلی سخت تلاش کردم.

همه‌ی وقتمو برای بررسی لایحه‌ها و مشورت در مورد موارد مهم گذاشتم.

اون تا به حال فقط با لایحه‌هایی که هیچ کس بهشون اهمیت نمی‌داد، سر و کار داشته.

با اینکه هیروئت ازش نخواستن به یه جمع ملحق بشه، ولی اون خودشو به ولگرد نمی‌معرفه که هیچوقت سعی نکرد به یه گروه ملحق بشه.

همچین آدم بی‌بنده‌ای با من فرق داره!